

# بیداری اسلامی و مظاهر فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آن

● حجت‌الاسلام والمسلمین سید جلال میرآقایی\*

## چکیده

نویسنده در این مقاله پس از بیان مفهوم بیداری اسلامی و برشمردن برخی از مظاهر فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آن، بیداری اسلامی را جنبشی اصلاحی دانسته و افزوده است که این جنبش با شناخت واقعیت‌های موجود در جامعه اسلامی از حدود دو قرن پیش آغاز شده و هم اکنون خود به عنوان یک واقعیت در عرصه سیاسی و اجتماعی جهان اسلام و دنیای بشریت نقش آفرینی می‌کند. وی قرن ۱۹ م را مقطعی تعیین کننده و نقطه عطفی در تاریخ ملل اسلامی خوانده و با اشاره به مظاهر بیداری اسلامی، جلوه‌های فرهنگی آن را اساسی‌ترین بخش جنبش عظیم اصلاحی و انقلابی و زیربنای حرکت‌های سیاسی و اجتماعی برشمرده، که تحقق آن را به دست اندیشمندان مصلح و نخبگان فکری جوامع اسلامی دانسته است.

نویسنده در ادامه مقاله بازگشت به قرآن و یا بازگرداندن قرآن را به متن زندگی مردم حائز اهمیت دانسته و یادآور شده است توغّل در فقه، اصول و ادبیات بسیاری از علمای ما را از پرداختن به متن اصلی اسلام یعنی قرآن مجید غافل کرده بود. به گونه‌ای که جز آیات احکام که مصدر اسلامی فقه است، سایر موضوعات قرآنی به فراموشی سپرده شده بود. غافل از آن که قرآن، تنها فقه نیست و اعجاز جاوید الهی تنها در ابعاد ادبی آن خلاصه نمی‌شود.

\*. معاون امور بین‌الملل مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی.



سپس با اشاره به هویت مشترک امت اسلام و تلاش‌های سید جمال الدین اسدآبادی در راستای تحقق وحدت اسلامی به مبحث اجتهاد پرداخته و متذکر شده است که در یکی دو قرن اخیر ضرورت این مبحث، فقهای اهل سنت را به ضرورت گشودن باب اجتهاد، واداشت.

نویسنده در پایان مبارزه با استبداد و استعمار را بُعد سیاسی بیداری اسلامی قلمداد کرده و متذکر شده است که انقلاب اسلامی ایران به رهبری عالم مجاهد و فقیه نواندیش، حضرت امام خمینی(ره)، بارزترین و جامع‌ترین نمونه این مبارزه بوده، که توانست آثار فراگیر خود را بر تارک نهضت‌های بیداری جهان اسلام بنشاند و «اسلام سیاسی» را به عنوان یک قدرت تعیین کننده به صفحه معادلات سیاسی جهان وارد کند.

## مقدمه

حرکت «بیداری اسلامی» یا «خیزش اسلامی» پدیده‌ای عظیم و فراگیر است که حدود دو قرن از پیدایش آن می‌گذرد. در این دو قرن فراز و نشیب‌های فراوان فراروی این حرکت بوده و با ضعف و قوت‌هایی همراه شده است. در برخی از مقاطع زمانی پیروزی‌های عظیم نصیب آن گشته و گاهی نیز در برخی مناطق ناکام گشته یا با شکست روبرو شده است. این حرکت در ابتدا در مناطق جغرافیایی خاص و محدودی ظهور یافته سپس در طول دهه‌های گذشته دامنه آن گسترده شده و به تدریج سراسر دنیای اسلام از شرق آسیا تا جنوب و غرب آفریقا حتی در بین اقلیت‌های مسلمان در سایر کشورها گسترش یافته است. در ابتدا فعالان آن جمعی از علمای دین و نخبگان و اندیشمندان بوده‌اند و امروز تمامی توده‌های مسلمان عالم و عامی را فراگرفته و در مسیر خود به حرکت واداشته است.

جریان‌های فکری فقهی، کلامی و سیاسی متعدد در این سیر شکل گرفته که از تنوع و تکثر فراوان برخوردارند، گاهی به هم نزدیک و در برخی مواقع در تضاد شدید قرار گرفته به افراط و تفریط گرائیده‌اند.

سرانجام امروز پس از گذشت بیش از یکصد سال که از درگذشت سلسله جنبان آن، مرحوم سید جمال الدین اسدآبادی مشهور به (افغانی) می‌گذرد، به مرحله‌ای پیشرفته از



تکامل دست یافته به گونه‌ای که علاوه بر تأسیس حکومتی مقتدر در جمهوری اسلامی ایران که ثمره بزرگ آن است، سایر نظام‌های سیاسی جهان اسلام را نیز تحت تأثیر قرار داده است در سایر کشورها هم آثار خود را در زندگی مسلمان‌ها و نوع رابطه آنها با حکومت‌های موجود بر جای گذاشته است. حضور قدرتمند این حرکت در معادلات سیاسی جهان به گونه‌ای شکل گرفته است که به وضوح قدرتهای بزرگ را به وحشت انداخته و «اسلام سیاسی» به عنوان بزرگ‌ترین چالش پس از جنگ سرد در مقابل آنان قد برافراشته است.

شناخت این حرکت میمون و مبارک، مسیر پیموده شده چشم انداز آینده، رهبران و فعالان گذشته و حال، جریان‌های فکری، ضعف‌ها و قوت‌ها، افراط‌ها، تفریط‌ها و احیاناً انحرافات فکری، فرهنگی و سیاسی آن ضرورت مبرمی در راه تکامل، انسجام و موفقیت‌های آینده این حرکت است.

در این نوشته مختصر پس از ارائه تعریفی از این حرکت به برخی از مظاهر فکری، فرهنگی، سیاسی و اجتماعی آن می‌پردازیم.

### تعریف حرکت بیداری اسلامی

بیداری اسلامی جنبشی است اصلاحی که با شناخت واقعیت‌های موجود در جامعه اسلامی از دو قرن پیش آغاز شده و در صحنه‌های علمی و عملی روز به روز تکامل یافته و تا به امروز ادامه یافته و در حال حاضر به عنوان یک واقعیت در صحنه سیاسی و اجتماعی جهان اسلام و دنیای بشریت نقش آفرینی می‌کند.

این پدیده عظیم اجتماعی بر پایه شناخت عوامل زیر شکل گرفته و در راه پریپیچ و خم خویش را به سمت آینده‌ای روشن طی کرده است:

- ۱- شناخت عقب افتادگی‌های علمی، اقتصادی، اجتماعی جوامع اسلامی.
- ۲- توجه به فقر، جهل، عدم بهداشت و وضعیت فلاکت بار حاکم بر جهان اسلام.
- ۳- شناخت پیشرفت‌های مادی جهان غرب و مقایسه وضعیت جوامع غربی با جوامع اسلامی.

۴- توجه به گذشته پر افتخار و سراسر شکوه و عظمت دنیای اسلام و تمدن درخشانی که مسلمانان در گذشته تاریخی خود خلق کرده‌اند.



- ۵- توجه به میراث علمی و غنی اسلام در عرصه‌های مختلف علوم و معارف بشری و نقشی که دانشمندان اسلامی در هدایت قافله فکری بشری به عهده داشته‌اند.
- ۶- توجه به بدعتها، خرافات و نارسایی‌هایی که در عرصه اندیشه دینی گریبان‌گیر دنیای اسلام شده است.
- ۷- توجه به تشنّت، تفرقه و درگیری‌های فرقه‌ای در سراسر جامعه اسلامی.
- ۸- توجه به فشار خردکننده‌ای که حاکمان مستبد بر مردم اعمال کرده و با ظلم و بی‌عدالتی به چپاول آنان می‌پرداخته‌اند.
- ۹- درک حضور استعمارگران غارتگر و اشغال کشورهای اسلامی توسط آنها و خطراتی که از این راه گریبان‌گیر مسلمانان شده بود.
- ۱۰- آشنایی با مفاهیم جدید فکری رهاورد تمدن غرب از قبیل آزادی، برابری، استقلال و...

حوادث مهمی هم که در این یکی دو قرن اتفاق افتاده مثل اشغال فلسطین به دست صهیونیست‌های جنایت‌کار و مبارزه قهرمانانه فلسطینیان و نیز اشغال افغانستان به دست نیروهای متجاوز غربی و اوضاع عراق در اوج‌گیری این بیداری نقش مؤثر و تعیین‌کننده داشته است.

## آغاز بیداری

قرن نوزدهم میلادی مقطعی تعیین‌کننده و نقطه عطف در تاریخ ملل اسلامی است. در این قرن و پس از آن بسیاری از کشورهای اسلامی و مناطق مسلمان نشین به اشغال استعمارگران درآمد، کشورهای اسلامی تجزیه شده، به قطعات کوچک تبدیل شدند، برخی از کشورها در جنگ با دشمنان به شکست‌های سخت مبتلا شده، رو به ضعف و سستی نهادند. اشغال مصر توسط ناپلئون، اشغال عراق، سوریه، لبنان توسط انگلیسی‌ها و فرانسوی‌ها، اضمحلال حکومت عثمانی، اشغال فلسطین، شکست‌های ایران از روسیه تزاری و اوضاع کشورهای افریقایی از این قبیل است. در این قرن همچنین رفت و آمد بین مناطق مختلف دنیای اسلام با جهان غرب رو به افزایش گذاشت. مسلمانان با ورود به دنیای غرب چشم خود را به سوی مظاهر مختلف زندگی مدرن باز کردند، پیشرفت مادی و صنعتی، زندگی کم و بیش ماشینی، دانشگاه‌ها و مراکز علمی



پیشرفته، علم و دانش فراگیر، تجمع ثروت و رفاه، بهداشت عمومی، نظم و پیشرفت در امور زندگی و از سوی دیگر نظام‌های سیاسی متکی به مردم، مجالس قانون گذاری، حکومت‌های جمهوری یا مشروطه، انتخابات، تفکیک قوا، استقلال قوه قضائیه، حکومت قانون، قانون اساسی، تبیین حقوق ملت، آزادی بیان و قلم، وجود مطبوعات، روزنامه‌ها و... آنها این اوضاع را وقتی با وضعیت کشورهای خودشان مقایسه می‌کردند که حکومت استبداد و خودکامگی و حضور استعمارگران و نوکران آنها ارمغانی جز فقر، جهل، بیماری و نکبت برایشان به ارمغان نیاورده بود، در حسرت به سر می‌بردند و در پی چاره جویی و جبران مافات و رسیدن به قافله تمدن بودند.

در این بین عده‌ای که یکسر فریفته شده و از پایه‌های اعتقادی و معلومات دینی سستی برخوردار بودند همه بدبختی‌ها را در سایه دین پنداشتند و رو به بی‌دینی و اباحت آوردند و برخی اظهار داشتند باید از موی سر تا ناخن پا غربی شد.

دسته دوم که به مبانی دینی عقیده داشتند و با فرهنگ قرآنی آشنا بودند، ریشه همه عقب افتادگی‌ها را در نوع دینداری مردم و تصویری که از اسلام در جامعه رایج بود دانسته و چاره را در احیا و اصلاح فکر دینی، بازگشت به قرآن و عمل به اسلام ناب دانستند که پیامبر اکرم (ص)، ائمه اهل بیت (ع) و صحابه بزرگوار منادی آن بودند.

این دسته در حقیقت طلایه داران حرکت «بیداری اسلامی» هستند که خط روشنی را در تاریخ آغاز کردند که هر چند در ابتدا غریب بود و آماج تهمت‌ها و توطئه‌ها و نامردی‌ها و نامردمی‌ها از سوی حکام و توده‌های ناآگاه و جاهل قرار داشت ولی در بستر حرکت تاریخی خویش روز به روز گسترش یافت تا به امروز، که حرکتی عمومی در جوامع اسلامی شده است.

در بوجود آمدن این حرکت البته مطالعات و تحقیقاتی که در دنیای غرب و توسط خاورشناسان درباره اسلام و تمدن اسلامی انجام یافته است بی‌تأثیر نبوده است. آنها نیز با زاویه دید خاص خود، پرتو بر گوشه‌هایی از تاریخ مسلمانان انداخته آنها را با گذشته پرافتخار خویش آشنا ساخته‌اند.

و نیز مقولات جدیدی که مستشرقان به تحقیق درباره آن پرداخته‌اند، گاهی بسیار بکر و تازه بوده و در حقیقت نوعی سنت شکنی و نوآوری در تحقیقات اسلامی به شمار می‌رفته‌اند.

## مظاهر بیداری اسلامی

مظاهر بیداری اسلامی را می‌توان در یک دسته بندی اولیه به شکل زیر تقسیم کرد:

### الف: مظاهر فرهنگی بیداری اسلامی

این بخش اساسی‌ترین نقش را در این جنبش عظیم اصلاحی و انقلابی به عهده داشته است زیرا زیربنای هر حرکت سیاسی و اجتماعی بذریه‌های فکری و فرهنگی است که توسط اندیشمندان مصلح و نخبگان فکری در جامعه پاشیده می‌شود و توجه به آن و تحلیل عمیق و عالمانه آن از دیدگاه جامعه‌شناسی تاریخی بسیار حائز اهمیت است. البته باید توجه داشت که پدیده‌هایی که به طور مختصر به شرح و تبیین آن می‌پردازیم هم، ریشه و علت بیداری اسلامی هستند و هم خود از این حرکت منشأ گرفته و معلول آن هستند. به این معنی که با اوج‌گیری و حرکت شتابان بیداری، این پدیده‌ها نیز تکامل می‌یابند و هر مرتبه‌ای از آن علت مرتبه بعدی شده و علت و معلول در یکدیگر تأثیر متقابل می‌گذارند. این ریشه‌ها و مظاهر یا علتها و معلول‌ها به شرح زیر می‌باشد:

#### ۱- احیای فکر دینی

احیای فکر دینی یعنی تجدید حیات باورهای دینی در همه اقشار مردم به گونه‌ای که اعتقاد به دین و عمل به احکام آن خاص قشر خاصی از مردم نباشد، بلکه همه گروه‌های اجتماعی از شهری و روستایی، باسواد و بی‌سواد، نخبگان و عامه مردم، دانشگاهیان، هنرمندان، تجار، سیاست‌مداران، روزنامه‌نگاران، جوانان، زنان و... در خیزشی عمومی رو به سوی اسلام بیاورند و التزام به دین، به وجدان عمومی تبدیل شود.

همه مردم پاسخ پرسش‌های زندگی پیچیده امروز را در دین جستجو کنند و برای حل همه مشکلات زندگی در عرصه‌های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی و اقتصادی به دنبال راهکارهای برآمده از کتاب و سنت باشند. این امر مستلزم تلاش و پشتکار متولیان دین، حوزه‌های علمیه و نخبگان دینی است که امر آموزش و تحقیقات را در عرصه‌های علوم اسلامی روزآمد کرده و با مسائل عصر حاضر آشنایی لازم را داشته باشند.

امروزه با نگاهی به برنامه‌های رادیویی، تلویزیونی، روزنامه‌ها، مطبوعات، فیلم‌های



سینمایی، عناوین کتابهای منتشر شده در دنیای اسلام و نیز برنامه‌های اطلاع رسانی اینترنتی به خوبی روشن می‌شود که اسلام دیگر منحصر به حجره‌های طلاب علوم دینی و مؤمنان سنتی به اسلام نیست بلکه نسل تشنه معارف حقیقی و سرخورده از ایدئولوژی‌های وارداتی شرق و غرب، مخصوصاً جوانان تحصیل کرده، راه حل همه مشکلات بشر را در تعالیم آسمانی و معنوی جستجو می‌کنند و درصد بالایی از مردم باورهای دینی را پذیرفته و در زندگی خود را به آن پایبند نشان می‌دهند.

## ۲- اصلاح فکر دینی

عرضه اندیشه اسلامی در جامعه با سه نوع انحراف روبرو بوده است:

۱- عرضه ناقص و یکسویگر، که در آن بخش عمده‌ای از آموزش‌های دینی به فراموشی سپرده شده و دین منحصر به یک سلسله آداب و سنتهای اخلاقی، عبادی و شعائر تبدیل شده و بخش‌های سیاسی و اجتماعی آن به طاق نسیان سپرده شده بود، به گونه‌ای که حضور دین، در صحنه‌های زندگی ساز جامعه، از سیاست و اقتصاد و فرهنگ و... کمرنگ یا یکسره بی‌رنگ شده بود.

۲- ورود بدعتها، خرافات و ناخالصی‌های نشأت گرفته از آداب و رسوم ملتها و قبایل و ناشی از جهل و نادانی مردم در دین.

۳- اهمّ و مهمّ در اندیشه دینی جای خود را عوض کرده، مهمّ به جای اهمّ نشست و اهمّ حضورش کمرنگ شده باشد. امیرمؤمنان علی بن ابی‌طالب در تمثیل زیبایی خود این حالتها را به «پوستین وارونه» تشبیه می‌کند. که صورتی زشت و تنفرانگیز را از دین عرضه می‌کند.

از مظاهر بیداری اسلامی در دو قرن اخیر تلاش علمای دینی برای عرضه اسلام ناب، جامع و متعادل است. خرافه‌زدایی، پالایش دین از بدعتها و انحرافات، عرضه نظامهای اجتماعی اسلام، اهتمام به مسائل سیاسی، حقوقی و... گام مهمی بوده که از سوی دانشمندان اسلامی در مناطق مختلف جهان اسلام برداشته شده و در ارائه تصویری صحیح از دین بسیار مؤثر بوده است. این تلاشها هر چند قابل تقدیر و چشمگیر بوده ولی باید دانست که راه همچنان باز و تلاش در این زمینه باید برای همیشه استمرار داشته باشد.



در همین راستا تلاش‌هایی که فقهای عظام در پاسخگویی به نیازهای فقهی جدید که زاینده تغییر و تحولات در روابط و مناسبت‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی است بسیار حایز اهمیت است. امروزه در زندگی اقتصادی مردم، انواع پیچیده و جدیدی از معاملات، شرکتها و مناسبات حاکم شده که در گذشته هیچ سابقه‌ای نداشته و با فقه معهود و رایج در گذشته نمی‌توان به آن پاسخ داد. در دنیای پزشکی و طب موضوعات جدیدی مطرح است که پاسخ فقهی می‌طلبد. در زندگی شهری و ماشینی مشکلاتی بروز کرده که تلاش فقهی فقها باید برای آن چاره‌جویی و گره‌گشایی کند.

اجتهاد پویای فقها چه به صورت فردی و چه به صورت جمعی، گامهای بلندی در راه ارائه راهکارهای برگرفته از کتاب و سنت برای این نوع مسائل برداشته و ما سرمایه گران سنگی از فقه‌النوازل را پیش روی خود داریم که خود نشانه‌ای از بیداری و هوشیاری فقهای ما و زنده بودن حوزه‌های علمیه است. تشکیل مجمع بین‌المللی فقه اسلامی وابسته به سازمان کنفرانس اسلامی و انتشار فتاوی جدید علمای شیعه در قالب رساله استفتائات که پاسخگویی بسیاری از این مشکلات است، گام مهمی در این مسیر است.

### ۳- بازگشت به قرآن

از شعارهای مهمی که اصلاح‌گران اندیشه دینی در دو قرن اخیر مطرح کرده‌اند و تلاش‌های بسیاری نیز در راه آن انجام داده‌اند موضوع بازگشت به قرآن و یا در حقیقت بازگرداندن قرآن به صحنه زندگی مردم است.

توغل در فقه، اصول و ادبیات بسیاری از علمای ما را از پرداختن به متن اصلی اسلام یعنی قرآن مجید غافل کرده بود، به گونه‌ای که جز آیات احکام که مصدر اسلامی فقه است سایر موضوعات قرآنی به دست فراموشی سپرده شده بود. غافل از آنکه قرآن فقط فقه نیست و معجزه جاوید الهی فقط در جنبه‌های ادبی آن خلاصه نمی‌شود.

جنبه‌های اجتماعی، تربیتی، روان‌شناسی، جامعه‌شناسی و علوم طبیعی قرآن اگر با روشن‌بینی و دقت نظر مورد مطالعه قرار گیرد می‌تواند منشأ معارف گسترده‌ای قرار گیرد که امروزه جزء علوم وارداتی ما از غرب است.

تلاش علمای بسیاری از شیعه و سنی در عصر حاضر مصروف پرده‌برداری از این





زویای تاریک بوده که البته برای نسل جوان و تحصیل کرده نیز جاذبه‌ای بسیار بیشتر از جنبه‌های فقهی (که در جای خود مهم و لازم است) داشته موجب روی آوردن آنان به مساجد و گوش فرادادن به درسهای تفسیری مصلحان می‌شود. در دوران اخیر تفسیر مرحوم علامه طباطبائی و درس‌های تفسیری آیت‌الله طالقانی در گسترش اندیشه دینی و انقلابی در جامعه ما بسیار مؤثر بوده است.

#### ۴- احساس هویت مشترک امت اسلامی

مسلمانان همه یک امت‌اند. خداوند در قرآن مجید آنان را امت واحد خوانده، پیامبر اکرم(ص) نیز در اولین عهدنامه‌ای که در مدینه بین طوایف مختلف برقرار نموده به این امر تصریح فرمود، ولی در طول تاریخ تشکیل حکومت‌های مختلف براساس قومیت‌ها و طوایف و ایجاد مرزهای جغرافیایی، آنها را از هم جدا کرد به گونه‌ای که عرب، عجم، ترک و کرد و... همچون جزایری جدای از هم زندگی کرده و هیچ یک در برابر سرنوشت امت بزرگ اسلام از خود مسئولیتی احساس نمی‌کرده است. گویا این طوایف به کلی از هم بیگانه و غریب‌اند و آنچه اصیل است زبان است و نژاد و سرزمین. استعمارگران نیز با برافروختن آتش احساسات قومی نژادی در میان مسلمانان اختلاف‌انگیزی کرده سرزمین پهناور اسلامی را تکه تکه کرده جنگ و برادرکشی را بین آنان حاکم کردند.

سیدجمال‌الدین اسدآبادی سلسله جنبان حرکت بیداری اسلامی از جمله شعارهای اصلی اش شعار «پان‌اسلامیسم» یا وحدت اسلامی بود. این آرمان بزرگ تا در شعور مسلمانان جای نگیرد و به وجدان عمومی تبدیل نشود، تحقق خارجی نخواهد یافت مسلمانان باید واقعاً نسبت به یکدیگر احساس برادری و یگانگی کرده خود را قبل از هرچیز وابسته به یک امت بدانند و مصالح امت را بر مصالح ملی، مذهبی و نژادی خویش مقدم بشمارند. و البته تا تحقق این آرمان راه درازی در پیش داریم.

#### ۵- نواندیشی دینی

تغییر و تحولات زندگی بشری، پیچیده شدن روابط و مناسبات اجتماعی، ورود ماشین به زندگی انسان، سرعت یافتن تبادل اطلاعات با پیدایش رایانه و اینترنت، فرو ریختن مرزهای جغرافیایی و... از سویی و پیدایش مکاتب مختلف فکری، کلامی، فلسفی،

سیاسی و اجتماعی از سوی دیگر و نیز حاکم شدن نظمی نوین بر معادلات قدرت در جهان معاصر، همه و همه سبب می‌شود که علما و دانشمندان ما در استخراج، استنباط و عرضه اندیشه دینی در عرصه‌های مختلف فلسفی، کلامی و فقهی آن تجدیدنظر کنند. و معارف حَقّه الهی را در لباسی نو و بیانی تازه متناسب با دستاوردهای علوم بشری و پاسخگو به نیازهای فرهنگی و اجتماعی زندگی مردم و با توجه به حضور رقبای جدی در بازار فکر و اندیشه استخراج و به جامعه به شدت در حال تحول ارائه نمایند. این مهم البته در دو قرن گذشته کم و بیش و با شدت و ضعف و فراز و نشیب در حال انجام بوده و هست و خود هم از مظاهر بیداری اسلامی و هم از علل و عوامل آن است. آنچه موجب نگرانی است سرعت و شتاب این حرکت است که باید متناسب با سرعت تحولات فکری، سیاسی و اجتماعی در جوامع امروزی و مراکز علمی رقبای امت اسلامی سازماندهی و طراحی گردد تا خدای ناکرده اسلام متهم به ناتوانی و علما و اندیشمندان متهم به کم کاری نشوند. تلاش برخی از علمای بزرگ ایرانی و شیعی مثل میرزای نائینی، علامه طباطبائی، شهید مرتضی مطهری و شهید محمد باقر صدر در این راستا بسیار قابل توجه و ارزنده است.

نکته قابل توجه اینکه نواندیشی دینی آنگاه ارزشمند است و صحیح که به همه اصول و ضوابط برگرفته از کتاب و سنت پایبند و ملتزم باشد.

## ۶- احیای اصل اجتهاد

اصل اجتهاد مستمر فقها و اسلام‌شناسان با کفایت که با صرف عمر و تلاش علمی صلاحیت این کار را کسب کرده باشند از اصول حیاتی و ارزشمندی است که از صدر اسلام بین مسلمانان رایج بوده و علمای شیعه نیز همیشه آن را قبول داشته و به آن عمل کرده‌اند. با کمال تأسف در برهه‌ای طولانی از زمان بر اثر عوامل سیاسی و... این اصل در بین برادران اهل سنت مورد غفلت واقع شد. و از این راه خسارت‌های بسیار بر فقه اسلامی وارد گشت.

خوشبختانه در یکی دو قرن گذشته آنان نیز به تدریج به ضرورت و اهمیت اجتهاد پی برده و پیدایش مسائل مستحدثه، فقهای اهل سنت را وادار به گشایش باب اجتهاد کرد به گونه‌ای که امروز تشکیل «مجمع بین‌المللی فقه اسلامی» نشان از پذیرش رسمی

محافل و شخصیت‌های اهل سنت نسبت به اصل اجتهاد است.

رسمیت یافتن اجتهاد در بین همه طوایف مسلمین پدیده مبارکی است که از آثار حرکت بیداری اسلامی است که قطعاً آثار سودمندی برای فقه اسلامی به بار آورده و خواهد آورد. شاید اولین کسی که در عصر حاضر منادی فتح باب اجتهاد بود شیخ محمد عبده از شاگردان و دوستان سیدجمال‌الدین اسدآبادی است.

## ۷- توجه به علوم دنیایی و جمع بین دنیاگرایی و آخرت‌گرایی

مسلمانان در پیشینه تاریخ خویش پرچمداران علم و دانش در عرصه‌های مختلف آن، از جمله علوم تجربی و شناخت طبیعت بودند و تمدن چشمگیر اسلامی دستاورد چنین مکانتی است. با رو به ضعف گذاشتن و انحطاط مسلمانان پیشرفت آنان در این علوم نیز متوقف شده و در حوزه‌های علمی آنان، که مجمع دانش‌اندوزی علوم دینی و دنیایی بوده، تعداد اندکی از طلاب به تحصیل این علوم (آن هم بر پایه نوشته‌های سابق که منطق خاص خود را داشت و در موارد بسیاری علوم تجربی را به شیوه علوم عقلی بررسی می‌کردند)، مشغول بودند. اما اروپائیان که بر اثر جنگهای صلیبی و سفر به مناطق اسلامی میراث‌خوار دانش مسلمین شدند و دوران رنسانس را با تأثیرپذیری از مسلمانان پشت سر گذاشتند به پیشرفت‌های عظیمی در این عرصه نایل شده دست به اختراعات و اکتشافات زده، زندگی مدرنی را پایه‌ریزی کردند.

آشنایی مسلمانان با این پیشرفت‌ها و آگاهی به فاصله عظیمی که با دنیای متمدن داشتند توجه آنها را به علوم مادی جلب کرد. اعزام جوانان مسلمان به کشورهای غربی برای فراگیری علم و دانش جدید، تأسیس مراکز علمی به سبک دانشگاه‌های اروپا و جلب استادان از کشورهای غربی در مناطق مختلف کشورهای اسلامی اقدامی است که در راستای حرکت بیداری اسلامی قابل تعریف است. در این نگرش توجه به دنیا و علوم دنیایی منافاتی با آخرت‌گرایی و تلاش برای کسب سعادت اخروی ندارد. بلکه این دو قابل جمع و به نظر فقها و مجتهدان حتی اقدام برای یادگیری این علوم به منظور تأمین نیازهای مادی مسلمانان واجب کفایی شمرده می‌شود.

## ب: مظاهر سیاسی حرکت بیداری اسلامی

حرکت بیداری اسلامی در دو قرن اخیر تجلیات سیاسی و اجتماعی بارزی در ساحت جوامع اسلامی داشته است. از آنجا که یکی از بسترهای اصلی بروز بیداری اسلامی تهاجم استعماری کشورهای غربی به ممالک اسلامی و ضعف و ناتوانی حکومت‌های مسلمان در مقابله با آن بوده است به خودی خود مسلمانان در سیر بیداری خود به این جنبه‌ها توجه جدی معطوف می‌داشتند. تهاجم ناپلئون به کشورهای شمال آفریقا و تصرف مصر، حضور استعماری کشورهای غربی در عراق، سوریه، لبنان، شبه قاره هندوستان و... موجب این می‌شد که لبه تیز شمشیر اشغال اجانب به استخوان آنها رسیده و نکبت زندگی زیر بار یوغ بیگانه را با گوشت و پوست خود احساس کنند. از این رو آنان با تکیه بر مبانی دینی و روشنگری و رهبری علما به مقابله و مبارزه با اشغالگران و اجانب برخاستند و از آنجا که حکام و پادشاهان محلی یا ناتوان از مقابله با استعمار و یا عامل بی‌جیره و مواجب آنان می‌شدند غالباً مبارزه با استعمار همراه با مبارزه با استبداد داخلی خودنمایی می‌کرد از این رو در وجه سیاسی هم بیداری اسلامی در وجوه و مظاهر زیر خلاصه می‌شود:

### ۱- مبارزه با استعمار خارجی

این یکی از مظاهر بارز بیداری اسلامی است که قیام‌های بسیاری را در سرتاسر دنیای اسلام شامل می‌شود. قیام عربی پانجا در مصر، مهدی سوادانی در سودان، امیر عبدالقادر در الجزایر، مسلمانان شبه قاره در هند، انقلاب عیاشی در عراق، انقلاب الجزایر در برابر فرانسوی‌ها در قرن بیستم، عمر مختار در لیبی، نهضت تنباکو، ملی شدن صنعت نفت، و قیام رئیس علی دلواری و میرزا کوچک‌خان و... در ایران که همه با تکیه بر اصول قرآنی و اسلامی عدم سلطه اجانب بر مسلمانان بود، از مظاهر بیداری اسلامی است.

### ۲- مبارزه با استبداد داخلی

حاکمیت موجود در کشورهای اسلامی عمدتاً نه بر اساس خلافت اسلامی مورد قبول برادران اهل سنت بوده و نه بر اساس اصل امامت و ولایت مورد قبول فقهای شیعه.



در این حکومتها که براساس سلطه مستبدانه یک خاندان بر مقدرات مردم استوار بوده است انواع ظلم، تجاوز، غارتگری و بی‌عدالتی در حق توده‌های میلیونی اعمال می‌شده است. مشاهده حکومت‌های لیبرال غربی که براساس آرای عمومی، مجلس قانون‌گذاری و قانون اساسی اداره می‌شده است و مقایسه آن اولاً با اصول بیعت، شورا و عدالت حاکم که از مسلمانات اسلامی است و ثانیاً با حکومت‌های مطلقه و عقب مانده موجود موجب قیام و جنبش مردم مسلمان می‌شده است.

جنبش مشروطیت در ایران و نهضت اعراب در مقابل حکومت عثمانی از این دست است. هر چند در این قیام‌ها تحریک و دسیسه قدرتهای غربی و در رأس آنها انگلستان و نیز روسیه و خطه‌های آنان به برخی از انقلابیون دخیل بوده و احیاناً باعث به انحراف کشاندن نهضت شده است، ولی انگیزه اصلی مردم آزادی از استبداد داخلی با تکیه بر اصول و ارزشهای عدالت‌خواهانه اسلامی بوده است.

### ۳- وحدت اسلامی

از آرمان‌های اولیه همه پیشگامان نهضت بیداری اسلامی اتحاد امت اسلامی، در برابر بیگانگان و با تکیه بر مبانی دینی بوده است، سیدجمال‌الدین اسدآبادی، اقبال لاهوری، محمد عبده و... تا امام خمینی (ره) همه منادی وحدت مسلمانان بوده‌اند. حتی متعصب‌ترین رهبران بیداری در طی این دو قرن خواهان چنین وحدتی بوده‌اند البته راهی که هر یک برای رسیدن به وحدت می‌پیمودند دارای ویژگی‌های خاص بود که به‌طور خلاصه می‌توان گفت برخی می‌گفتند «همه با هم» که مستلزم گذشت و کوتاه آمدن از برخی ارزشها و مصالح فردی و اختصاصی اقوام و مذاهب در مقابل مصالح و منافع بزرگ امت اسلامی است و برخی دیگر این شعار را «همه با من» تفسیر کرده‌اند که نشان از تعصب و تصویر غلط از وحدت اسلامی است.

تأسیس «دارالتقریب بین المذاهب الاسلامیه» در قاهره در اوایل قرن بیستم و قبل از آن تشکیل «رجال‌التقریب» در آن کشور نشان از ضرورتی است که رهبران دینی برای وحدت اسلامی قائل بوده‌اند. در شکل‌گیری انقلاب با شکوه اسلامی ایران و تأسیس نظام مقدس جمهوری اسلامی نیز حضرت امام خمینی (ره) پیوسته به این آرمان وفادار و از منادیان آن بوده‌اند. و این التزام و وفاداری نقشی عظیم در پیروزی انقلاب داشت. پس



از رحلت ایشان هم حضرت آیت‌الله خامنه‌ای با تأسیس مجمع جهانی تقریب مذاهب اسلامی گامی مهم در نهادینه کردن این آرمان و سازمان دادن به تلاشهای منادیان آن برداشت. یکی از ثمرات این اقدام برگزاری سالانه کنفرانس بین‌المللی وحدت اسلامی و اجتماع علما و متفکران جهان اسلام در تهران است.

#### ۴- احیای اندیشه حکومت دینی

اوج تکامل نهضت بیداری اسلامی در بینش رهبران و توده‌های مسلمان عقیده به لزوم برپایی حکومت اسلامی و تلاش پیگیر و مجدانه در راه آن است. این عقیده در سرتاسر دنیای اسلام طرفدارانی داشته است. و منادیان آن گاهی راه‌های مسالمت جویانه را برای رسیدن به آرمان مقدس خود پیموده‌اند و گاهی با تکیه بر اصل جهاد و مبارزه مسلحانه گام در این راه نهاده‌اند.

این مبارزه با افت و خیزهای فراوان در کشورهای اسلامی روبرو بوده است. اما کامل‌ترین آن که به پیروزی قاطع و شکوهمند در برابر استبداد داخلی و استعمار خارجی نایل شد، «انقلاب مقدس اسلامی ایران» به رهبری عالم مجاهد و فقیه نواندیش حضرت امام خمینی (ره) بود که دارای همه ویژگی‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی حرکت بیداری اسلامی بود و با تکیه بر ارزش‌های خالص دینی بدون اثرپذیری از شرق و غرب حتی با مخالفت آنها به پیروزی چشمگیر رسید. و همزمان، استبداد و استعمار را از کشور بیرون راند و اثر قاطع و فراگیر بر همه نهضت‌های بیداری در جهان اسلام گذارد و اسلام را به عنوان یک قدرت تعیین کننده وارد معادلات سیاسی جهان کرد.

#### ج - مظاهر بیداری اسلامی در وجه اجتماعی آن

بیداری اسلامی در صحنه‌های اجتماعی جوامع اسلامی و غیر اسلامی که مسلمانان در آن زندگی می‌کنند نیز دارای مظاهر و نمودهای فراوانی است. این جلوه‌ها نشان دهندۀ میزان باور و عقیده مسلمانان به ارزش‌های دینی و تلاش آنها برای اجرای آن در زندگی فردی و اجتماعی خود است. از جمله این مظاهر به موارد زیر اشاره می‌شود:



## ۱- احیای شعائر دینی

توجه مسلمانان به شعائر و سنتهای دینی در نوع سلوک فردی و اجتماعی، اعیاد، جشنها، مراسم، نوع لباس پوشیدن و چهره‌ظاهری، خود از نشانه‌های نفوذ اسلام در روح و جان آنها است.

ساختن مساجد و عبادتگاهها، حضور در نمازهای جمعه و جماعات، پوشیدن حجاب اسلامی توسط زنان و آرایش اسلامی توسط مردان، تأسیس مؤسسات خیریه اسلامی، صندوق‌های مالی و بانک‌های بدون ربا، قرائت و حفظ قرآن مجید، ظاهرشدن جوانان مسلمان با چهره‌های اسلامی در دانشگاهها، وسایل ارتباط جمعی مثل تلویزیون، روزنامه، مجله و... همه نشانه بارز نفوذ فراگیر ارزش‌های بیداری اسلامی در زوایای فکر و جان آنها است. این پدیده امروزه اختصاص به کشور یا منطقه خاصی ندارد بلکه در سراسر جهان اسلام به صورت الگوی عمومی و قابل پیروی تبدیل شده است. حتی کشورهای غیر اسلامی هم مجبورند در فرودگاهها، زندانها، سربازخانه‌ها و... محلی برای نماز خواندن مسلمانان اختصاص دهند. استعمار غربی هم با توجه به حساسیت این جلوه‌ها بسیار هراسناک شده و پرچم مبارزه با این ظواهر را بر دوش گرفته است. مبارزه دولت و مجلس فرانسه با حجاب اسلامی دختران، نمونه‌ای از این حساسیت و خوف استعمارگران است.

## ۲- توجه به تربیت اسلامی

از مظاهر روی آوردن مسلمانان به اسلام و گسترش موج بیداری اسلامی در عصر حاضر اهمی است که آنان به تعلیم و تربیت فرزندانشان و تعمیق باورهای دینی و آموزش احکام الهی به آنان دارند و گسترش مدارس اسلامی، کتب، نشریات و ادبیات دینی در قالب داستان، شعر، قصه‌های قرآنی، آموزش‌های اخلاقی، بازی‌های کامپیوتری اسلامی و... در سرتاسر کشورهای اسلامی و در بین اقلیت‌های مسلمان در جوامع غربی نشان از پدیده مبارکی است که در بین مسلمانان ظهور کرده است. این حرکت اعتقاد به اسلام را در عمق جان‌های نسل نوخاسته و جوان جای داده از آنان سربازانی برای نهضت جهانی اسلام تربیت می‌کند به گونه‌ای که امروزه معتقدان به اسلام و دلباختگان به آئین محمدی در میان نسل جوان درس خوانده دانشگاهی و



دبیرستانی و فارغ التحصیلان مراکز علمی بیش از هر زمان دیگری است.

این نسل پرشور و با نشاط حاضر به هرگونه فداکاری و جان فشانی در راه اهداف مقدس الهی است و آینده درخشانی را برای نهضت جهانی اسلام نوید می‌دهد. آنچه در نوشتار فوق به اختصار آمد، نمودهای عینی حرکت بیداری اسلامی در جهان معاصر از جنبه‌های فرهنگی، سیاسی و اجتماعی بود. باید دانست که شخصیت‌های بزرگی در جهان اسلام از شبه قاره، ایران، خاورمیانه عربی و شمال آفریقا در این راه پرچمدار حرکت نهضت بوده‌اند.

مصلحانی چون سید جمال الدین اسد آبادی، محمد عبده، رقاعه الطهطاوی، کواکبی، شیخ شلتوت، دکتر محمد اقبال لاهوری، ابوالاعلی مودودی، حسن البنا، سید قطب، میرزای شیرازی، میرزای نائینی، آخوند ملامحمد کاظم خراسانی، آیت الله سید ابوالقاسم کاشانی، آیت الله طالقانی، شهید مطهری، سید محسن امین عاملی، سید شرف‌الدین، علامه طباطبائی و در رأس همه امام خمینی (ره) که هر یک جنبه‌هایی از حرکت تجدید حیات اسلام را راهبری کرده‌اند و در نهضت خویش پیروزی‌هایی به دست آورده‌اند و یا احیاناً با ناکاستی‌هایی روبرو بوده‌اند.

پرداختن به روند مبارزاتی و حرکت فکری احیاگران نیز مقوله مهمی است که امید است دیگران به آن دست یازیده، روشنگر راه نسل حاضر باشند.

اما آنچه به عنوان نتیجه این نوشته مختصر قابل ذکر و تأمل است این است که اسلام و مسلمانان بیدار شده‌اند. این آتش فشان خاموش دو قرن است که از فوران تازدهاش می‌گذرد. باید ریشه‌های این حرکت و جنبش را شناخت. نقاط قوت و ضعفش را تشخیص داد. موانع سر راهش را ارزیابی کرد. خطوط انحرافی، افراط‌ها و تفریط‌ها را برای هدایت و تقویت آن تحلیل کرد. این وظیفه بیش از هر کس بر شانه علمای اسلام و نخبگان جوامع اسلامی سنگینی می‌کند. آنان که چراغ راه امت و وارث انبیا هستند و مرکب قلمشان از خون شهدا برتر است.